

رادیو فردا در هفته‌ای که گذشت! (شماره 221)

30/08/1397 الی 23/08/1397

در دویست و بیست و یکمین شماره از مجله هفتگی رادیو دیروز در قالب سری گزارشات «رادیو فردا در هفته‌ای که گذشت!»، بخشی از مهمترین فعالیت‌های این رسانه صهیونیستی – آمریکایی در چهارمین هفته از آبان ماه 1397 را به طور خلاصه مورد بررسی قرار می‌دهیم.

رادیو دیروز گزارش می‌دهد؛

آخرین هفته از آبان ماه 1397 با رویدادهای کوچک و بزرگ بسیاری در حوزه‌های موضوعی مختلف همراه بود؛ از وضعیت آشفته دولت اسرائیل گرفته تا ادامه ترکش‌های قتل فجیعانه خاشقچی و ...، هر کدام به شکلی توسط ابزارهای رسانه‌ای وابسته به دولت‌های غربی مورد استفاده سیاسی و جهت‌دار قرار گرفتند که رادیو فردا به عنوان یک رسانه صهیونیستی – آمریکایی، جزوی از همین ابزارهاست.

در همین راستا رادیو دیروز با تنظیم و انتشار مجله‌ای هفتگی با عنوان «رادیو فردا در هفته‌ای که گذشت!» بخشی از مهمترین برنامه‌ها و گزارش‌های این رسانه آمریکایی را به طور خلاصه مورد بررسی و تحلیل قرار دهد و واقعیت‌های تحریف یا پنهان شده را در اختیار مخاطبین خود قرار دهد.

بر این اساس، آن چه در ادامه مطالعه خواهید کرد، دویست و بیست و یکمین شماره از این مجله هفتگی رادیو دیروز است که به بررسی بخشی از فعالیت‌های رادیو فردا در طول چهارمین هفته از آبان ماه سال 1397 (23 الی 30 آبان ماه 1397) پرداخته است.

شما مخاطبین گرامی می‌توانید در دویست و بیست و یکمین شماره مجله هفتگی رادیو دیروز، بررسی موضوعاتی از قبیل وضعیت بحرانی کابینه نتانیاو در اسرائیل، شواهد تغییرات موضع آمریکا نسبت به شخص ولیعهد آل سعود، ادعاهای عجیب حقوق بشری کانادا علیه ایران، فضا سازی علیه اسلام با موضوع مردسالاری، واکنش به اظهارات رئیس جمهور ایران در خصوص تحریم‌های آمریکا، تلاش برای سانسور توان اروپا برای مقابله با تحریم‌های ضد ایرانی آمریکا و ... را می‌توانید مشاهده نمایید.

عزای رادیو فردا در سقوط دولت نتانیاو

یکی از موضوعاتی که در این هفته بخش زیادی از رسانه‌های جهان به آن پرداختند و شاید همین حجم واکنش هم رادیو فردا را وادار کرد که به آن ورود کند، وضعیت بحرانی کابینه نتانیاو در رژیم اشغالگر صهیونیستی است؛ جایی که برخی رسانه‌ها حتی از سقوط این کابینه و برگزاری انتخابات زودهنگام در این رژیم خبر می‌دهند.

رادیو فردا پس از بازتاب گسترده این اخبار در رسانه‌های مختلف، برای حفظ چهره رسانه‌ای خود به طور اجباری به این موضوع پرداخت و اما تنها انتشار اخباری کوتاه و بسیار سطحی از این ماجرا کاملاً نشان می‌داد که قصد این رسانه پرداختن به واقعیت امر و بررسی و تحلیل آن برای مخاطبین خود نیست، بلکه هدفش رفع مسئولیت ظاهری رسانه‌ای و حفظ ظاهر بی‌طرفانه در نگاه مخاطبین است؛ هر چند این گونه واکنش ناقص بیشتر چهره واقعی این مجموعه رسانه‌ای را به مخاطبین نشان داده و باعث ریزش مخاطبین می‌شود، اما آن چه برای رادیو فردا اهمیت دارد رضایت حامیانش است، نه رضایت مخاطبینی که باید دروغ را بجای واقعیت بخوانند و بشنوند.

اما واقعیت ماجرا از جایی اوج خود را نمایان ساخت که پس از شلیک پانصد موشک از سمت فلسطین به شهرک‌های صهیونیست نشین و بالارفتن ترس مردم ساکن این شهرک‌ها، وزیر جنگ رژیم صهیونیستی، وزیر مهاجرت این رژیم و چند تن دیگر از اعضای کابینه نتانیاو، استعفا دادند هم استعفا داد.

رسانه‌های صهیونیستی در این میان بارها با انتشار گزارش‌های تحلیلی خود به این واقعیت مهر تأیید زدند که استعفای لیبرمن، وزیر جنگ اسرائیل به دنبال موفقیت حماس در رویارویی با اسرائیل رخ داد و در واقع جنبش فلسطینی حماس و نیروهای مقاومت موفق به ساقط کردن کابینه اسرائیل شد.

با خروج حزب اسرائیل خانه ما یعنی حزبی که رئیس آن لیبرمن است مفهومش این است که کابینه نتانیاو فقط ۶۱ کرسی در کنیست خواهد داشت و این کار را بجایی رسانده است که حزب خانه یهود (بیت یهود) از نتانیاو خواسته است تا نفتالی بنت رئیس حزب و وزیر آموزش فعلی را به جای لیبرمن قرار دهد و آنرا شرط تداوم حمایت از کابینه قرار داده است و واقعیت‌ها نشان می‌دهد که نتانیاو برای بقای کابینه‌اش چاره‌ای جز پذیرش این پیشنهاد ندارد.

با این وجود، اخبار منتشر شده در رسانه‌های اسرائیل حاکی از این است که نتانیاو با پیشنهاد نفتالی موافقت نکرده و باید منتظر انتخابات زود هنگام در اسرائیل بود؛ در واقع نتانیاو تا فروپاشی دولتش چند گام بیشتر نمی‌بیند.

در این میان همانطور که گفته شد رادیو فردا تنها به انتشار اخباری بسیار سطحی و تعدادی بسیار اندک اکتفا کرده است و تفاش کرده تا خود را از این مهلکه دور نگاه دارد.

این نوع خط خبری دلایل متعددی دارد که دو دلیل عمده آن، ناراحتی رادیو فردا از وضعیت فعلی کابینه نتانیاو و البته اعمال فشار حامیان صهیونیست این رسانه برای کنترل فضای رسانه‌های مربوط به این موضوع است.

متن خبرهای مربوط به سقوط نتانیاو به گونه‌ای نگاشته شده است که سقوط کابینه نتانیاو و برگزاری انتخابات زودرس را تنها در حد یک احتمال مطرح می‌کند.

در واقع رادیو فردا تصور هم نمی‌کرد که نتانیاو با آن دبدبه و کیکبه با شلیک پانصد موشک از مسند قدرت برداشته شود و به معنای واقعی اسیر دست موشک‌های جنبش مقاومت شود.

این زلزله بزرگ سیاسی در اسرائیل یک پیام بزرگ برای محور مقاومت دارد و آن هم این است که با بالا گرفتن ترس شهرک نشین‌ها و نفوذپذیر بودن گنبد آهنین اسرائیل تا حذف این غده سرطانی از صحنه تاریخ و نقشه جغرافیا تنها چند گام دیگر بیشتر باقی نمانده است. این استعفاها نمی‌تواند صرفاً به یک اختلاف نظر جزئی برگردد.

واقعیت‌ها نشان از آن دارد که حکومت جعلی اسرائیل دیگر قادر نیست برای شهرک نشین‌هایش امنیت را تأمین کند و خالی شدن شهرک‌ها از صهیونیست‌ها به معنای برچیده شدن و فرو پاشی حکومت جعلی صهیونیستی است.

تغییر سطح روابط آمریکا و ولیعهد سعودی به ادعای رادیو فردا

موضوع قتل جمال خاشقچی، روزنامه‌نگار منتقد رژیم آل سعود یکی از پر تکرارترین موضوعات رسانه‌ای جهان در چند وقت اخیر است که ما نیز در شماره‌های مختلف این مجله هفتگی به آن پرداخته‌ایم.

در هفته‌های پیش دیدیم که چطور با وجود شواهد محکمی که نقش محمد بن سلمان، ولیعهد عربستان سعودی در این قتل فجیع را اثبات می‌کند، باز هم دولت آمریکا از ارتباط و روابط تجاری و سیاسی خود با آل سعود حمایت کرده و به راحتی از کنار این جنایت عبور کرد.

اما در این هفته برخی گزارش‌ها که با واکنش رادیو فردا هم همراه بود، نشان از اعمال تغییراتی جدی در سطح روابط بین آمریکا و عربستان و تغییر جهت حمایتی کاخ سفید و غرب از محمد بن سلمان به شخص دیگری دارد که در جای خود جالب توجه است.

این رسانه صهیونیستی – آمریکایی در یکی از این واکنش‌ها با انتشار گزارشی، ضمن پرداختن به احتمالات مربوط به کنار گذاشته شدن محمد بن سلمان از مقام ولیعهدی عربستان، نوشته است: «اعضای خاندان سلطنتی در حال رایزنی در خصوص جانشینی احتمالی احمد بن عبدالعزیز برادر کوچکتر ملک سلمان و عموی محمد بن سلمان هستند. طبق این گزارش، احمد بن عبدالعزیز تنها برادر تنی ملک سلمان است که از حمایت اعضای خاندان سلطنتی، نیروهای امنیتی و کشورهای غربی برخوردار است.»

حمایت دونالد ترامپ از حکومت عربستان سعودی و به ویژه محمد بن سلمان پس از ماجرای قتل خاشقچی، با موجی از انتقادات در کنگره آمریکا روبه‌رو شده است. بعضی از کارشناسان و رسانه‌ها حضور رئیس سازمان CIA در هواپیمای حامل ترامپ به کالیفرنیا را نیز نشان از تغییر نظر وی نسبت به ولیعهد سعودی توجه بیشترش به گزارشات این سازمان در مورد قتل خاشقچی می‌دانند.

از طرفی ولیعهد عربستان در داخل خود خاندان سلطنتی این کشور هم وضعیت خوبی ندارد. از آغاز روی کار آمدن بن سلمان و راه اندازی موج دستگیری‌ها در خاندان آل سعود و بازداشت برخی مقامات بلند پایه عربستان به دستور او، نارضایتی‌ها از حضورش در مسند جانشینی پادشاه بالا گرفت تا جایی که رسماً برخی مقامات اعلام ناراحتی کردند و قتل جمال خاشقچی نیز از آن دست اقدامات ناشایسته این ولی عهد جوان بود که توانست دنیا را در مقابل او به موضع گیری وادار کند.

اعتراضات به بن سلمان آنقدر بالا گرفته است که بزرگان آل سعود هم تصمیم گرفته‌اند ترتیبی اتخاذ کنند تا او نتواند پادشاه عربستان شود. مطرح شدن نام احمد بن عبدالعزیز که برادر ملک سلمان است به معنای جدی بودن حذف بن سلمان از معادلات است.

احمد از جمله منتقدان نحوه حکومت داری در این روزهای عربستان است و این موضع را هم رسماً بیان کرده است.

شاید ورود هر چند مختصر رادیو فردا به این ماجرا را هم با توجه به سابقه این رسانه که چیزی جز پیروی از سیاست‌های کاخ سفید نبوده است، بتوان نشانه‌ای دیگر از این واقعیت تلخ برای محمد بن سلمان دانست.

کانادا، دایه دلسوز جدید حقوق بشر

در ادامه مباحث حقوق بشری، خودنمایی ضد ایرانی کانادا یکی از موضوعات جالب این هفته بود؛ جایی که در شرایطی که دنیا شاهد نقض حقوق بشر از سوی کشورهایمانند عربستان سعودی است، مقامات کانادا انگشت اتهام را به سمت ایران گرفتند و علیه کشورمان قطعنامه صادر کردند و این موضوع با رضایت و بازتاب گسترده رادیو فردا همراه شد.

این رسانه صهیونیستی – آمریکایی در ویژه برنامه "دریچه" خبر داد: «کمیته سوم سازمان ملل متحد، روز پنجشنبه ۲۴ آبان ماه، قطعنامه پیشنهادی کانادا درباره وضعیت حقوق بشر در ایران را با ۸۵ رأی مثبت در مقابل ۳۰ رأی منفی و ۶۸ رأی ممتنع تصویب کرد.»

اما نکته مهمی که رادیو فردا از پاسخ به آن فرار می‌کند این سؤال اساسی است که چرا با وجود جریانات مربوط به قتل فجیع جمال خاشقجی و نقض گسترده حقوق بشر توسط عربستان سعودی، دولت کانادا علیه دولت ایران قطعنامه حقوق بشری به سازمان ملل پیشنهاد می‌دهد؟!

جالب است که بر اساس گزارش خبرگزاری رویترز، «جاستین ترودو» نخست وزیر کانادا چند روز قبل در اظهارتی تأیید کرد که نهادهای اطلاعاتی این کشور فایل صوتی مرتبط با قتل جمال خاشقجی روزنامه‌نگار سعودی در کنسولگری عربستان در شهر استانبول را در اختیار دارند و نهادهای اطلاعاتی کانادا درباره این موضوع با سرویس اطلاعاتی ترکیه همکاری نزدیکی داشته‌اند.

اما با علم بر واقعیت و آگاهی از حقیقت جنایتی که توسط آل سعود صورت گرفته است، در کنار جنایات دیگری مانند وضعیت بحرانی یمن و ...، جالب است که تنها چند روز بعد، دولت و مقامات کانادا بجای موضع‌گیری در این خصوص و علیه آل سعود، به یکباره طرح قطعنامه علیه ایران در موضوعات حقوق بشری را مطرح می‌کند و به نوعی در پازل طراحی شده غربی – عربی برای تحریف اذهان از سمت عربستان به سمت ایران نقش آفرینی می‌کند.

در همین راستا، واکنش "اسحاق آل حبیب"، نماینده ایران در سازمان ملل متحد در کمیته سوم مجمع عمومی سازمان ملل متحد که با موضوع بررسی قطعنامه پیشنهادی کانادا درباره وضعیت حقوق بشر ایران تشکیل شده بود، بهترین و جامع‌ترین پاسخ به این تلاش‌های عوام‌فریبانه است که در ادامه مشروح کامل آن را می‌خوانید:

«آقای رئیس هر ساله وقت و منابع این کمیته بر سر قطعنامه‌ای که صرفاً منعکس کننده رویکرد گزینشی و بی هدف بانپان آن است هدر می‌رود.

کانادا باید تا کنون دریافته باشد که این اقدام بی معنا و بی ثمر، دهن کجی به حقوق بشر، اقدامی مضر برای مکانیسم‌های حقوق بشری سازمان ملل و بی احترامی به شعور مردمی است که از نزدیک رویکرد گزینشی کانادا در قبال وضعیت‌های حقوق بشری را مشاهده می‌کنند.

نگاهی به سابقه آرای حقوق بشری کانادا در سازمان ملل بسیار روشن‌گر خواهد بود. اتاوا همراه معدودی از کشورها در سطح جهان مستمراً و بطور غیرمشرط حامی اسراییل برخلاف همه جنایات وخیم حقوق بشری آن رژیم بوده است. این سطح از نفاق و استاندارد دوگانه حیرت انگیز است.

در عین حال منابع موثق بین المللی موارد متعدد نقض تعهدات حقوق بشری کانادا را گزارش کرده‌اند. سیاست‌ها و برخوردهای تبعیض آمیز علیه بومیان، مهاجرین و اقلیت‌ها سیستماتیک بوده است. خشونت پلیس، ناپدیدشدگی اجباری و قتل بومیان بخریبی مستند شده‌اند در حالی که زنان و دختران بومی همچنان از خشونت و تبعیض نهادینه شده آسیب می‌بینند.

آقای رئیس ناپیوستگی، استاندارد دوگانه و رویکردهای تبعیض آمیز جزء لاینفک سیاست خارجی کشورهایمان نظیر کانادا است. برای این مدعیان خودخوانده حقوق بشر دو مسیر برای مواجهه با موضوعات حقوق بشری وجود دارد. نحوه برخورد آن‌ها کاملاً بستگی به این دارد که چه کسی در معرض اتهام است. همین شیوه منافقانه با عواقب بسیار خطرناک در سطح جهان را می‌توان در مقابله آنها با تروریسم هم ملاحظه کرد.

آن‌ها به راحتی تروریست‌های خوب را که بطور فاحش مرتکب نقض حقوق بشر می‌شوند استخدام کرده و مورد حمایت قرار می‌دهند تا دولتهای نامطلوب ایشان را که با وقاحت 'دولت‌های سرکش' می‌نامند بی‌ثبات سازند.

در عین حال بدون هرگونه ملاحظه، نبرد با اشغال و حمله خارجی را تروریسم می‌نامند. برای کشورهایایی همچون کانادا و آمریکا احترام به حقوق بشر، ارتقای دموکراسی و مبارزه علیه تروریسم همگی اجزایی از سیستم ایدئولوژیک سلطه جویی هستند.

به هر حال این توهین آمیز است که این کشورها انتظار داشته باشند بقیه، این نفاق ریشه دار را بعنوان اقداماتی از سر صدق و نوع دوستانه بپذیرند.

برخی از کشورهایایی که بر این قطعنامه اصرار دارند حتی آنقدر جسارت دارند که ادعا کنند سیاست خارجی آنها مبتنی بر آزادی‌های اساسی است.

این ادعای مسخره می‌تواند صحیح باشد. آن‌ها برای خودشان آزادی در استعمار بقیه قائل هستند.

این ادعا صحیح است وقتی که آنها از آزادی خود برای سرقت منابع ملی دیگر کشورها استفاده می‌کنند، آزادی انتصاب دیکتاتورها در کشورهای ما و نابود کردن رویاهای آزادیخواهانه ملی ما، آزادی نهادینه کردن شکنجه، تشویق نفرت افکنی و نژادپرستی، مشروعیت بخشیدن به اشغال خارجی، اقدام به حملات پیش دستانه، اعمال سیاست‌های تغییر رژیم، تحمیل اقدامات زورمدارانه یکجانبه و ریشه کنی مردمان بومی. شاید قبل از سخنوری برای بقیه در باب حقوق بشر آنها باید به این سؤال پاسخ دهند که میلیون‌ها قربانی سیاست‌های ایشان درباره حقوق بشر چه فکر می‌کنند.

آقای رئیس ایران در تاریخ بسیار طولانی خود هرگز برده داری نکرده، ایران هرگز کشورهای دیگر را استعمار نکرده، ایران هرگز جوامع بومی را از میان نبرده و هرگز بدنبال برتری جویی نژادی نبوده است.

از این رو مسخره است که معدودی کشورهای شناخته شده که همه این سوابق و بدتر از آنها را در تاریخ کوتاه خود دارند جرات می‌کنند مفهوم ارزشمند حقوق بشر را برای اهداف کوتاه نگرانه سیاسی خود مورد سوء استفاده قرار دهند.

اصرار کانادا بر ادامه روش منسوخ تقابل بجای همکاری تأسف انگیز است. کانادا درحالی اصرار بر این قطعنامه دارد که اسرائیل آخرین رژیم آپارتاید جهان همواره یکی از بنیان آن بوده است.

کانادا آنچنان علاقه‌ای به قطعنامه دارد که حتی منتظر نماند تا گزارش زیربیط دبیرکل توزیع شود. کانادا بدون توجه به درخواست‌های مکرر ایران برای گفت و گوی‌های محترمانه، مشتاق این قطعنامه جهت دار است. فهم چنین اصراری بر سیاسی کردن و دوقطبی ساختن حقوق بشر دشوار است.»

تلاش رادیو فردا برای تخریب جایگاه زنان در جامعه اسلامی

یکی دیگر از برنامه‌های حاشیه ساز رسانه صهیونیستی - آمریکایی رادیو فردا "تابو" است که در آن با وقاحت تمام به ارزش‌ها، اعتقادات و اصول اخلاقی اهانت می‌شود و به عنوان آزادی بیان و رسانه موجه جلوه داده می‌شود.

این برنامه در هفته اخیر به بخشی از دین اسلام که مربوط به برابری زنان و مردان است پرداخته و تلاش کرده تا مردسالاری را به عنوان یکی از اصول اساسی اسلام معرفی کند.

رادیو فردا و مجری برنامه "تابو" به این شکل وارد طرح این موضوع می‌شود: «منتقدان می‌گویند نهاد خانواده نهادی است مرد سالار. نهادی که بسیاری از حقوق را یک طرفه به مرد واگذار کرده است.»

طبیعی است که وقتی اولین جمله در بحث اینگونه بیان می‌شود، مخاطب به نوعی وادار می‌شود که به این نظر منتقد تن بدهد و با پیش فرض گرفتن عمومیت این باور نسبت به ادامه بحث، ذهنش جهت می‌گیرد.

اما آیا این موضوع که تصمیم‌گیرنده نهایی خانواده مرد باشد، فقط در خانواده‌های مسلمان و در جوامع اسلامی رایج است و در سایر جوامع مشاهده نمی‌شود؟!

پاسخ آن کاملاً مشخص است و همانطور که قوانین و اصول اسلامی بر پایه فطرت آدمی استوار است، ویژگی‌های ذاتی انسان‌ها در سراسر جهان با میزانی تغییرات، به این سمت گرایش دارد و هرچن همیشه مواردی استثنا وجود دارد، اما کلیت رفتاری حاکم بر جوامع مختلف گویای این واقعیت است.

تحقیقات و نظرات کارشناسان مختلف نشان می‌دهد که بر اساس آفرینش زن منشأ بروز و قلیان احساسات است و مرد به دلیل داشتن روحیه خشن‌تر نسبت به نرم خویی زن، از تعقل بیشتر در مسائل برخوردار است بدین معنا که به سادگی اسیر احساسات نمی‌شود و همین امر باعث می‌شود که ناخود آگاه احساسات مغلوب تعقل شود و در برابر تصمیم مبتنی بر عقل تسلیم شود.

بنابر این ادعای برنامه "تابو" مبنی بر این که نظام اسلامی دارای ماهیت مرد سالار است و این موضوع به عنوان عوارض مسلمان بودن شناخته می‌شود، تنها یک مغالطه آشکار است.

از طرف دیگری کارشناس رادیو فردا در این برنامه، وضعیت رفتاری حکومت آل سعود در عربستان و محدودیت‌های زندگی زنان در این کشور را به کل جوامع اسلامی نسبت می‌دهد که هر فردی با سطح اندکی از درک و آگاهی می‌داند که قیاسی کاملاً اشتباه و به دور از واقعیت است.

با این وجود، باید نیم‌نگاهی نیز به وضعیت زنان در کشورهای مطرح غربی از جمله خود ایالات متحده آمریکا انداخت؛ کشوری که در دوران جدید به پایتخت برده‌داری نوین در جهان شناخته می‌شود و زنان، تنها کالایی جنسی و مادی برای کسب درآمدهای مختلف محسوب می‌شوند و طرح اتهام علیه اسلام و وضعیت جوامع اسلامی هرگز نمی‌تواند واقعیت بحرانی زنان در این کشور و سایر کشورهای غربی را از دید عموم و متفکران پنهان نگاه دارد.

تحریم‌ها، محبوبیت دولت آمریکا و تحریف اظهارات رئیس جمهور ایران

مبحث دیگری که در این هفته جزو فعالیت‌های پر تکرار و اصلی رسانه صهیونیستی – آمریکایی رادیو فردا قرار داشت، بحث تحریم‌های ضد ایرانی جدید کاخ سفید و اثرات آن بر جامعه ایرانی است؛ جایی که این رسانه فارسی زبان تلاش کرد به بهانه‌های مختلف از موفقیت همراه با بزرگنمایی این تحریم‌ها خبر دهد و در کنار آن هدف این تحریم‌ها را حکومت و حاکمیت ایران و نه مردم کشورمان معرفی کند.

در یکی از این موارد "نیوشا بقراطی"، مجری برنامه "ساعت ششم" تلاش کرد تا به شکل‌های مختلف، از میزان نفرت افکار عمومی ایران نسبت به دولتمردان آمریکایی بعد از خروج ترامپ از برجام و اعمال تحریم‌ها بکاهد.

وی این برنامه را به سخنان حسن روحانی، رئیس جمهور کشورمان در نشست شورای عالی اجتماعی کشور اختصاص داد و برای بهره‌برداری سیاسی و جهت‌دار از این اظهارات و نزدیک نشان دادن خود با اقشار مختلف مردم ایران که از پیامدهای تحریم‌ها متضرر شده‌اند، این‌گونه بحث خود را مطرح می‌کند که: «مردم بعد از تحریم‌های آمریکا "امیدواری بیشتری پیدا کرده‌اند"، تحریم‌ها "هیچ تاثیری بر روند اقتصادی کشور نداشته"، "ملت از آمریکا عصبانی است، نه از دولت و نظام"! این بخش‌هایی از چند اظهار نظر اخیر حسن روحانی درباره وضع معیشتی مردم است که همزمان با گزارش‌های پرشمار مبنی بر رشد هر روزه قیمت‌ها صورت گرفته است؛ آیا تحریم‌ها باعث امیدواری است؟ آیا تحریم‌ها بر وضع معیشتی در ایران تاثیری نداشت؟ اگر مردم

امیدوارتر شده‌اند، چرا باید از کسی عصبانی باشند؟ اگر عصبانی هستند، از چه کسی؟! در برنامه این هفته ساعت ششم به دنبال پاسخ این پرسش‌ها هستیم.»

اما در شرایطی نیش‌بقراتی تلاش می‌کند با این سؤالات خود مردم ایران را در مقابل حکومت قرار دهد که از همان ابتدای اعمال تحریم‌ها توسط کاخ سفید، مشخص بوده که هدف مردم کشورمان هستند و به همین دلیل هم برخی نهادهای بین‌المللی از جمله دیوان بین‌المللی دادگستری لاهه، رسماً تحریم‌ها را نقض حقوق بشر دانستند.

از طرفی در چند سال اخیر شاهد بودیم که علیرغم برخی انتقادات و مخالفت‌ها و علیرغم عدم اطمینان به طرف‌های غربی، دولت ایران به مذاکرات هسته‌ای و توافقات صورت گرفته در قالب برجام پایبند بوده و تا همین لحظه نیز به اذعان بسیاری از مقامات و کارشناسان کشورهای مختلف بسیار بیشتر از سطح تعهدات برجامی خود را نیز انجام داده است؛ اما با این وجود این دولت آمریکا بود که به یکباره و با وجود اعتراض و مخالفت سایر کشورهای درگیر در این توافق، یک طرفه به آن پشت کرده است.

در این فضا، نه تنها مردم عادی یا نخبگان سیاسی، که حسن روحانی، رئیس جمهوری که با شعار اثر بخشی مذاکره و سازش به انتخابات آمده و همه جا مذاکره با کدخدا را راه حل می‌دانست، از شعارهای خود در قابل دولت زورگوی آمریکا عدول کرد و پاسخگویی به تهدیدات ترامپ پرداخت.

او اخیراً در جلسه شورای عالی اجتماعی کشور اظهار کرد: "مردم بعد از 13 آبان نسبت به قبل از آن، امیدواری بیشتری پیدا کرده‌اند، در حالی که قبل از 13 آبان، عده‌ای تصور می‌کردند که اتفاقات خاصی رخ خواهد داد و همه زندگی مردم بهم خواهد ریخت، اما پس از آن روز همه شاهد کردند که این تصورات واهی و غلط است و هیچ‌کدام از ادعاهای دشمن، به آن صورتی که انتظار داشتند، تحقق پیدا نکرد، لذا چنین نیست که تصورات دشمن محقق شده و ما ناتوان باشیم.

اینگونه بزرگنمایی مشکلات و ناامید کردن مردم، ظلم بزرگی به مردم است و همه باید در این زمینه هوشیارانه عمل کنند."

آیا اروپا سابقه ایستادگی در برابر تحریم‌های آمریکایی را دارد؟!

یکی دیگر از موضوعات چند وقت اخیر مربوط به تحریم‌های ضد ایرانی آمریکا، مسئله همراهی یا عدم همراهی کشورهای اروپایی با آن است که با واکنش‌های مختلف رسانه صهیونیستی – آمریکایی رادیو فردا هم همراه بوده و به همین دلیل با بررسی یکی از این موارد، مجله این هفته را به پایان می‌رسانیم.

همانطور که در هفته‌های پیش هم مورد بررسی قرار دادیم رادیو فردا در تمام این مدت، بی توجه به واقعیت امر، تلاش کرده تا اروپا را در بحث تحریم‌های ضد ایرانی، متحد و همراه کاخ سفید معرفی کند.

در همین راستا، این هفته نیز این رسانه وابسته به دولت آمریکا، با انتشار گزارشی کاملاً جهت دار با عنوان «دیپلمات‌ها: هیچ کشور اروپایی حاضر به میزبانی سازوکار تجارت با ایران نیست» به دنبال فضا سازی در راستای این خط مشی رسانه‌ای گام برداشته است.

اما آیا واقعیت این است؟! یا اگر هست واقعاً به همین شدت وجود دارد؟!

پیش‌تر در خصوص اظهار نظرهای رسمی مقامات اروپایی علیه تحریم‌ها و در راستای تعهد به برجام سخن گفته‌ایم و این موضوع به قدری آشکار هست که نیازی به تکرار آن وجود ندارد؛ به همین دلیل اینبار تعدادی تجربیات کشورهای جهان در مقابل تحریم‌های آمریکا را مورد بررسی قرار می‌دهیم؛ همان چیزی که رادیو فردا همیشه آن را سانسور کرده و با سکوت از کنارش عبور کرده است.

مثلاً رادیو فردا هیچگاه نمی‌گوید که تحریم‌های مالی و نظامی در ۱۹۸۴ پس از انفجار پایگاه‌های نظامی آمریکا در لبنان حتی در داخل آمریکا به نقض داخلی انجامید و ماجرای مک فارلین را به همراه داشت و هرچند ایران در ماه‌های پایانی جنگ با محدودیت‌های شدید تسلیحاتی و نظامی روبرو بود اما پس از آن توانست با عقد قرارداد با روسیه، چین و کره به ترمیم و گسترش تشکیلات نظامی خود بپردازد.

یکی دیگر از موارد سانسور در رادیو فردا قوانین مسدود ساز است. اخیراً فدریکا موگرینی مسئول سیاست خارجی اتحادیه اروپا در بیانیه‌ای مشترک با وزرای خارجه فرانسه، آلمان و انگلیس این مسئله را مطرح کرد. در این بیانیه اعلام شده است که نسخه به روز شده قوانین مسدودساز تحریمی اتحادیه اروپا از فردا برای مقابله با تحریم‌های آمریکا علیه ایران، اجرایی می‌شوند.

بر اساس این گزارش در پی تصمیم آمریکا برای خروج از برجام و بازگشت تحریم‌های بین‌المللی این کشور علیه ایران، اروپا با از سرگیری قانون «مسدود ساز تحریم» که پیشتر برای مقابله با تحریم‌های آمریکا علیه کوبا تدوین شده بود، شرکت‌های اروپایی را از تحریم‌های آمریکا علیه ایران در امان نگه می‌دارد.

اتحادیه اروپا اولین بار در سال ۱۹۹۶ با هدف مقابله با آثار فراسرزمینی تحریم‌های یکجانبه آمریکا، قوانین مسدودساز تحریمی را تدوین کرد. این قوانین شرکت‌های اروپایی را از تبعیت از تحریم‌های یکجانبه آمریکا باز داشته و این امکان را به آن‌ها می‌دهد که با شکایت از ایالات متحده یا افرادی که به واسطه تحریم بر آن‌ها خسارت تحمیل کرده‌اند، غرامت دریافت کنند.

قوانین مسدودساز شرکت‌های کشورهای عضو اتحادیه اروپا را ملزم می‌کند ظرف ۳۰ روز پس از آنکه به واسطه آثار فراسرزمینی تحریم‌های اتحادیه اروپا متحمل خسارت شدند، شورای اروپا را در جریان قرار دهند. شرکت‌های اروپایی همچنین از رعایت آثار فراسرزمینی تحریم‌های مشمول قوانین مسدودساز، منع شده‌اند. علاوه بر این، این قوانین احکام دادگاه‌های خارجی که بر اساس آثار فراسرزمینی تحریم‌های آمریکا وضع شده باشند را در اتحادیه اروپا بی‌اثر می‌کند.

در اواخر تیرماه سال جاری وال استریت ژورنال به نقل از چندین مقام اروپایی گزارش کرد که اتحادیه اروپا درصدد ایجاد حساب یا فعال کردن حساب‌های قدیمی بانک مرکزی ایران در بانک‌های مرکزی عضو این اتحادیه است تا از این طریق بتواند برجام را حفظ کند. این طرح در نشست‌های وزیران خارجه آلمان، فرانسه و بریتانیا (و مسئول سیاست خارجی اتحادیه اروپا) در اواسط تیر ماه با مقام‌های ایرانی در وین داشتند، ارائه شده است.

به نوشته این روزنامه دیگر کشورهای اروپایی و از جمله اتریش و سوئد نیز اعلام کرده‌اند که ایجاد حساب برای بانک مرکزی ایران در بانک‌های مرکزی خود را بررسی می‌کنند. مقام‌های اروپایی که وال استریت به آنها استناد کرده، تاکید کرده‌اند که مذاکره با بانک‌های مرکزی اعضای اتحادیه اروپا در جریان است.

آنچه در بالا خوانده‌اید، دو بیست و یکمین شماره از مجله هفتگی رادیو دیروز است که همانند هفته‌های پیشین با عنوان "رادیو فردا در هفته‌ای که گذشت!" منتشر گردیده و در این شماره به بررسی خلاصه وار بخشی از مهم‌ترین برنامه‌ها و گزارشات این رسانه صهیونیستی - آمریکایی در چهارمین هفته از آبان ماه ۱۳۹۷ (۲۳ الی ۳۰ آبان ماه ۱۳۹۷) پرداخته است.